

تذكرة الأولياء و البياض و السواد

محسن پورمختار*

چکیده

عطار نیشابوری در تذكرة الأولياء از منابعی استفاده کرده که غالباً به زبان عربی بوده است. شفیع کدکنی، مصحح تازه‌ترین چاپ تذكرة الأولياء در مقدمه کتاب، یازده اثر را به عنوان منابع اصلی عطار معرفی کرده، که یکی از آنها، کتاب البياض و السواد خواجه علی حسن سیرجانی است. در این مقاله، با توجه به قرائن برون‌متنی و درون‌متنی درباره چگونگی و میزان استفاده عطار از بياض و سواد بحث شده است. همچنین، در یک بررسی تطبیقی بین اقوال مشایخ تصوف در تذكرة الأولياء و البياض و السواد و سایر منابع اصلی تذکره، میزان و چگونگی استفاده عطار از این کتاب مشخص شده است. حاصل این مقایسه کشف حدود ۵۵۰ قول و حکایت مشترک در این دو کتاب است که ۹۴ مورد آن‌ها منحصرأ در البياض و السواد دیده می‌شود. در پایان، نتایج پژوهش در جدولی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تصوف، تذكرة الأولياء، البياض و السواد، عطار نیشابوری، خواجه علی حسن سیرجانی

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۳

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر رفسنجان / m.poormokhtar@gmail.com

۱. مقدمه

انتشار تذکرة الأولیاء عطار نیشابوری، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، گام بلندی در شناخت این متن مهم عرفانی محسوب می‌شود. یکی از موارد اهمیت این چاپ نشان دادن آبخورها و منابع عطار در تدوین تذکرة الأولیاء است. مصحح، در مقدمه کتاب از یازده اثر به‌عنوان منابع اصلی عطار نام برده و درباره استفاده او از این آثار بحث کرده است. به‌علاوه، در تعلیقات، به مآخذ بعضی اقوال و حکایات تذکره در متون پیش از عطار اشاره شده است. مصحح پس از اشاره به کوشش چهل ساله خود در تصحیح تذکرة الأولیاء، بر اهمیت منابع و مآخذ اقوال این کتاب در فهم و تصحیح آن تأکید می‌کند:

یافتن اصل عربی این گفتارها در متون قبل از عطار، مانند اللمع ابونصر سراج یا طبقات الصوفیة سلمی یا حلیة الأولیاء حافظ ابونعیم اصفهانی یا مناقب الأبرار ابن خمیس یا المختار من مناقب الأخیار ابن اثیر و ده‌ها کتاب و رساله دیگر، بسیار ضرورت دارد. به‌ویژه که گاه در اصل عربی منقول در متون قبل از عطار نیز اختلاف ضبط وجود دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: شانزده).

۱-۱. البیاض و السواد سیرجانی یکی از منابع اصلی تذکرة الأولیاء عطار

یکی از منابع اصلی تذکرة الأولیاء، بنا به تشخیص شفیعی کدکنی، کتاب البیاض و السواد تألیف خواجه علی حسن سیرجانی است. این کتاب که یکی از مهم‌ترین دستینه‌های صوفیانه است (پورجوادی، ۱۳۹۳: ۱۴۳) در نیمه نخست قرن پنجم هجری تألیف شده است.^۱ مصحح تذکرة الأولیاء درباره استفاده عطار از این کتاب می‌نویسد:

یکی از منابع عطار در تذکرة الأولیاء به احتمال قریب به یقین کتاب البیاض و السواد من خصائص حکم العباد فی نعت المرید و المراد، تألیف خواجه علی حسن سیرجانی است (متوفی حدود ۴۷۰). ما در تعلیقات تذکرة الأولیاء به مواردی ازین تأثیرپذیری اشاره کرده‌ایم (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: سی‌ونه).

شفیعی کدکنی، علاوه بر بحثی که در مقدمه کتاب در زمینه مقایسه القاب و عناوین مشایخ تصوّف در دو کتاب تذکره و بیاض و سواد کرده است (همان: شصت‌ونه)، از البیاض

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره البیاض و السواد، نک. مقدمه نگارنده بر البیاض و السواد، انتشارات مؤسسه پژوهشی

و السواد به عنوان یکی از منابع شناخت ۳۶ تن از مشایخ تذكرة الأولياء نام برده است.^۱ ایشان همچنین در تعلیقات تذكرة الأولياء ۴۹ بار به البیاض و السواد ارجاع داده است.^۲ اما موارد مشترک در این دو کتاب بسیار بیشتر و قریب به ۵۵۰ فقره است. در تحقیق حاضر به مشترکات تذكرة الأولياء و البیاض و السواد پرداخته ایم و میزان و چگونگی تأثیر بیاض و سواد بر تذکره را تعیین کرده ایم.

۱-۲. اهداف و روش پژوهش

این مقاله دو هدف را دنبال می کند: نخست بررسی تفصیلی و استقرایی نظر شفیع کدکنی مبنی بر آن که البیاض و السواد یکی از منابع اصلی تذكرة الأولياء است و دیگر، بررسی میزان و نحوه استفاده عطار از این کتاب.

در آغاز، تأکید بر چند نکته ضروری است: نخست آن که در این بررسی به هیچ وجه در پی یافتن مآخذ اقوال عارفان در منابع پیش از زمان عطار نبوده ایم (البته غیر از منابع اصلی تذکره). نیز آن که مدعای این مقاله آن نیست که اقوالی که در بین منابع اصلی تذكرة الأولياء، انحصاراً در البیاض و السواد دیده می شود، احیاناً در منابع متقدم بر سیرجانی و عطار نیامده است. بلکه، تعدادی از این اقوال را می توان در آثار پیش از عطار و حتی قبل از سیرجانی یافت. محدوده بررسی اقوال تذكرة الأولياء در این مقاله، فقط منابع اصلی آن بوده است و

۱. در شناسنامه ای که پیش از ذکر هر عارف در معرفی او آورده است. شماره فصول مربوط به این عارفان ۳۶ گانه عبارتند از: ۱۳، ۱۴، ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۳. شایان ذکر است که تعداد مشایخ تذكرة الأولياء که البیاض و السواد می تواند به عنوان منبع شناخت آن ها محسوب شود، بیش از این تعداد است.

۲. صفحاتی از تعلیقات تذكرة الأولياء که در آن ها به البیاض و السواد ارجاع شده است: ۱۱۵۱، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۷۶، ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۲۰۱، ۱۲۶۲، ۱۲۷۱، ۱۲۸۱، ۱۲۸۳، ۱۲۹۷، ۱۳۰۴، ۱۳۱۴، ۱۳۰۶، ۱۳۱۶، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۲، ۱۳۲۵، ۱۳۲۸، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷، ۱۳۴۴، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۸، ۱۳۷۰، ۱۳۷۴، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰، ۱۳۹۴، ۱۴۰۵، ۱۴۴۰، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۶۰، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۷۰.

نکته شایان ذکر آن که در مواردی اندک، به جای البیاض و السواد، به یکی از نسخه های آن که با نام رساله التصوف شناخته شده، ارجاع شده است.

مبنای پژوهش حاضر این فرض است که اگر قولی در سایر منابع ده‌گانه نباشد احتمال این‌که از منبع یازدهم (البیاض و السواد) اخذ شده باشد بیشتر از منابع محتمل فرعی است، هرچند که احتمال اخذ آن از هر کدام از منابع متعدد پیش از عطار نیز منتفی نیست. خروج ما از محدوده منابع یازده‌گانه عملاً به معنای ورود به حوزه بسیار گسترده‌ای از متون دیگر خواهد بود. بررسی هر متن به متن دیگری کشیده خواهد شد. به‌عنوان نمونه، در رابطه با متون اصیل تصوف که آب‌شخور اصلی عطار در تدوین تذکره بوده است، از آثار ابوعبدالرحمن سلمی، فقط طبقات الصوفیة که به‌عنوان یکی از منابع اصلی تذکرة الأولیاء شمرده شده، بررسی شده است و به سایر آثار او از جمله حقائق التفسیر و زیادات حقائق التفسیر و مجموعه آثار سلمی که جزء منابع اصلی محسوب نشده‌اند، ورود نشده است. حال آن‌که احتمال استفاده عطار از این منابع کم نیست. نگارنده با این‌که این آثار را هم ملاحظه و مشترکات را نیز مشاهده کرده بود، از پرداختن به آن‌ها به این دلیل که جزو منابع اصلی تذکره نبودند پرهیز کرد زیرا اگر به این منابع ورود می‌شد، منابع مهم دیگری هم وجود داشت که احتمال استفاده عطار از آن‌ها هم به همان اندازه بود: منابعی از قبیل التعرّف، شرح تعرّف، قوت القلوب، مناقب الابرار، احیاء علوم الدین، المختار من مناقب الاخیار، علم التصوف، و بسیاری دیگر. با این حال، ما تحقیق حاضر را به منابع اصلی تذکرة الأولیاء محدود کردیم. بدیهی است که تحقیق در منابع محتمل تذکرة الأولیاء می‌تواند موضوع مقالات دیگری باشد، اما این مقاله منحصرأً به البیاض و السواد سیرجانی و منابع اصلی تذکره می‌پردازد.

۱-۳. اهمیت اصل عربی اقوال در فهم و تصحیح تذکرة الأولیاء

گفتیم که به نظر مصحح تذکرة الأولیاء یافتن اصل عربی اقوال این کتاب بسیار ضروری است؛ دلیلش این است که در موارد زیادی فهم معنی و تصحیح صورت کلام در تذکرة الأولیاء منوط به شناخت اصل عربی اقوال است. در تعلیقات شفیع کدکنی شواهد زیادی دال بر این معنا یافت می‌شود. با این‌همه، هنوز موارد مبهم بسیاری وجود دارد که با یافتن اصل عربی آن‌ها می‌توان به صورت و معنی صحیح اقوال تذکره راه یافت. بنابراین، کتاب

بیاض و سواد با داشتن بیش از ۵۰۰ موضع مشترک با تذكرة الأولياء، بسیار مغتنم است. برای نمونه، به یک شاهد در زمینه فهم معنی کلام و شاهدهی دیگر در حوزه تصحیح متن اکتفا می‌شود:

● و گفت: هرکه بیرون اندازه خود رضا دهد خدای تعالی او را برکشد زیادت از غایت او (تذکره: ۶۳۲).

در روایت عطار از این قول ابو محمد جریری، عبارت «بیرون اندازه خود» مبهم است و معلوم نیست که رضا دادن به بیرون اندازه خود دقیقاً به چه معناست. با مراجعه به اصل این سخن مشخص می‌شود که عبارت مذکور ترجمه عطار از عبارت عربی «دون قدره» است: «وقال الجریری: من رضی بدون قدره، رفعه الله فوق غایته» (بیاض و سواد: ۲۷۵).

مطابقت ترجمه فارسی عطار با اصل عربی، منظور جریری را معلوم می‌کند: هرکس به آنچه که کمتر از استحقاق اوست راضی باشد خداوند او را به بالاتر از استحقاق و شایستگی اش می‌رساند.

● و گفت: صبر بازداشتن نفس است بی آنکه رجوع کند (تذکره: ۴۶۰).

با مراجعه به اصل قول مشخص می‌شود که «رجوع» در این قول تصحیف «جزع» است. اصل گفتار جنید چنین است: «الصبر حبس النفس مع الله بنفی الجزع» (بیاض و سواد: ۲۳۴). عطار، شاید به دلیل نقصی که در سندش وجود داشته، جزع را رجوع خوانده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۱۳۰۶).

۲. اقوال و حکایات البياض و السواد در تذكرة الأولياء

با مقایسه اقوال و حکایات مندرج در تذكرة الأولياء و البياض و السواد مشخص شد که در این دو اثر حدود ۵۵۰ مورد مشترک وجود دارد. در جدولی که در انتهای مقاله آورده‌ایم جایگاه این موارد مشترک و میزان اشتراک آن‌ها را تعیین کرده‌ایم. مشترکات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱-۲. اقوالی که علاوه بر البياض و السواد، در بعضی دیگر از منابع اصلی تذكرة الأولياء

هم وجود دارد

اقوال مشترک تذکره و بیاض و سواد را در دیگر منابع اصلی تذکره الأولیاء پی‌گیری کردیم. منابع جستجو شده عبارتند از: حلیة الاولیاء ابونعمیم اصفهانی، طبقات الصوفیة ابوعبدالرحمان سلمی نیشابوری، تهذیب الأسرار خرگوشی، الرّسالة القشیریة و ترجمه فارسی آن، اللّمع فی التّصوّف ابونصر سراج، عقلاء المجانین ابن حبیب نیشابوری، کشف المحجوب هجویری، بستان العارفين، مقامات ابوسعید ابوالخیر (اسرار التوحید، حالات و مقامات ابوسعید، چشیدن طعم وقت).

علاوه بر این آثار که در مقدمه تذکره به عنوان منابع اصلی آن معرفی شده‌اند، کتاب دفتر روشنایی نیز، که به احتمال بسیار، متن عربی آن یعنی کتاب التّور، مهم‌ترین مأخذ عطار در بخش بایزید بوده است، جستجو شد. مقامات ابوعلی فارمدی که به عنوان یکی از منابع اصلی عطار در تذکره معرفی شده، موجود نیست و احتمالاً از بین رفته است.

حاصل این جستجو و مطابقت نشان داد که از ۵۵۰ قول مشترک در تذکره و بیاض و سواد، ۴۵۶ مورد، علاوه بر البیاض و السّواد، در یک یا چند منبع اصلی دیگر از منابع اصلی نیز دیده می‌شود که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱-۲-۱. اقوالی از تذکره الأولیاء که منبع آن‌ها البیاض و السّواد نیست: در بین اقوال مشترک تذکره و بیاض و سواد و یک/چند منبع از منابع اصلی تذکره، مواردی دیده می‌شود که نام قائل یا ساختار قول و گاه بعضی قرائن دیگر، نشان می‌دهد که مأخذ عطار در آن قول، کتاب البیاض و السّواد نبوده است. از باب نمونه:

● نقل است که سؤالش کردند از فقر... (تذکره: ۵۰۸).

- این سخن ابن‌الجلاء در البیاض و السّواد هم آمده است اما در آنجا سؤالی که از ابن‌الجلاء می‌شود از توکل است نه از فقر (نک. بیاض و سواد: ۱۶). به نظر می‌رسد مأخذ این قول تهذیب الأسرار باشد (خرگوشی، ۱۹۹۹: ۱۵۸).

● و گفت: توبه بر دو قسم است... (تذکره: ۱۵۲).

- این قول که در تذکره به نام ذوالنون مصری آمده است، در بیاض و سواد هم عیناً نقل

شده اما به نام ابن‌عطاء (بیاض و سواد: ۷۷)

● و گفت: توکل در اصل متابعت علم است و در حقیقت کامل شدن یقین است (تذکره: ۶۱۸).

■ وقال ابو بكر الكتانی: التوکل فی الأصل، استعمال العلم و فی الحقیقة استعمال یقین (بیاض و سواد: ۲۴۷).

■ وقال الكتانی: التوکل فی الأصل، اتباع العلم و فی الحقیقة استعمال یقین (خرگوشی، ۱۹۹۹: ۱۳۹).
- از مقایسه سخن کتانی در تذکره و بیاض و سواد و تهذیب الأسرار معلوم می شود که در بخش نخست این قول، تذکره با تهذیب هماهنگ است نه با بیاض و سواد. در مورد بخش دوم سخن کتانی هم به نظر می رسد عطاژ استعمال را استکمال خوانده یا در نسخه او چنین بوده است.

۲-۱-۲. اقوالی که احتمال أخذ آن ها از البیاض و السواد بیشتر است: در میان اقوال مشترک تذکره و بیاض و سواد و دیگر منابع اصلی تذکره، مواردی دیده می شود که بعضی قرائن، این احتمال را بیشتر تقویت می کند که عطار آن قول را از البیاض و السواد گرفته است. از باب نمونه:

● پرسیدند که دنیا چیست؟ گفت: هرچه تو را از حق مشغول کند دنیا آن است (تذکره: ۱۵۶).
■ وسئل ذوالنون عن الدنیا ما هی؟ قال: جمیع ما یشغلك عن الله فهی الدنیا (بیاض و سواد: ۶۷).
- چنان که دیده می شود، این قول در تذکره و بیاض و سواد عیناً یکی است، اما تعریف دنیا به این صورت، از قول ذوالنون و در بخشی از پاسخ او به سؤالی در باب زهد در حلیة الأولیاء به این صورت آمده است: «أتی رجلٌ من أهل البصره ذالنون فسأله... فمتی یصح طلبی للزهد قال: إذا كنت زاهداً فی نفسک هارباً من جمیع ما یشغلك عن الله، لأن جمیع ما یشغلك عن الله هی الدنیا» (الاصفهانى، بی تا: ۳۵۲/۹).
● وگفت: هر دلی که دوستی دنیا درو قرار گرفت، دوستی آخرت از آن دل رخت برگرفت (تذکره: ۲۸۱).

■ وقال ابو سلیمان الدارانی: من أحب الدنیا أو سرّ بها نزع من قلبه حبّ الآخرة (بیاض و سواد: ۶۷).
- این سخن در حلیة الأولیاء هم آمده است، اما به نام سفیان ثوری. تفاوت دیگر این که در حلیة به جای «حبّ الآخرة»، «خوف الآخرة» آمده است: «من أحبّ الدنیا و سرّ بها نزع خوف الآخرة من قلبه» (الاصفهانى، بی تا: ۷۹/۷).

● وگفت: هرکه در بحر توحید افتاد هر روز تشنه [تر] بود و هرگز سیراب نگردد، که تشنگی حقیقت دارد و آن جز به حق ساکن نگردد (تذکره: ۳۹۸).

■ وقال يوسف بن الحسين: من وقع في بحر التوحيد فإنه لا يزداد إلا عطشاً على ممر الأوقات عليه ولا يروى أبداً لأنه ظمناً حقيقة لا يسكن إلا بالحق (بياض و سواد: ۴۹).

- صورت ناقصی از این قول در رساله قشیریّه هم آمده است: «وقال يوسف بن الحسين: من وقع في بحار التوحيد لا يزداد على ممر الأوقات إلا عطشاً» (قشیری، ۱۹۸۹: ۴۲۶).
«يوسف بن حسين گوید که هر که در دریاء توحيد افتاد هرگز تشنگی او کم نشود» (عثمانی، ۱۳۷۹: ۵۱۷).

● وگفت: خلق را جمع گردانید در علم خویش و متفرق کرد در حکم و قسمت خویش، بلکه جمع در حقیقت تفرقه است و تفرقه جمع (تذکره: ۸۰۷).

■ وقال الواسطي: جمعهم في علمه وفرقهم في حكمه وقسمه؛ بل الجمع في الحقيقة التفرقة والتفرقة الجمع (بياض و سواد: ۳۲۵).

- این قول در تهذیب الاسرار بدون نام قائل و به صورت مختصر آمده است: «وقال بعضهم: معنى الجمع أن الله تعالى جمعهم في علمه ومعنى التفرقة أنه فرقهم في حكمه» (خرگوشی، ۱۹۹۹: ۳۸۰).

پیداست که در نمونه‌های بالا و موارد مشابه آن‌ها، احتمال این‌که قول مورد نظر از البیاض و السّواد گرفته شده باشد و نه منبع اصلی دیگر، بسیار بالاست. به هر حال، ما این‌گونه اقوال را جزو مشترکات منابع اصلی تذکرة الأولیاء محسوب کردیم و نه اقوال منحصر به البیاض و السّواد.

۲-۱-۳. اقوال مشترکی که در مورد آن‌ها هیچ یک از منابع اصلی را نمی‌توان بر منبع دیگر ترجیح داد: در این گونه موارد، که شمار آن‌ها هم کم نیست، معادل سخنی که در تذکره آمده است هم در بیاض و سواد و هم در یک یا چند منبع اصلی دیگر تذکرة الأولیاء وجود دارد. از آنجا که تفاوتی در ضبط این دسته اقوال بین بیاض و سواد و منبع/منابع دیگر نیست، یا تفاوت ناچیز و بی‌اهمیت است، پاسخ به این سؤال که مأخذ عطار کدام کتاب است ناممکن می‌نماید.

۲-۲. اقوالی که در بین منابع اصلی تذکرة الأولیاء منحصرأ در البیاض و السّواد وجود دارند از میان منابع اصلی تذکرة الأولیاء ۹۴ قول/حکایت فقط در البیاض و السّواد دیده می‌شود.

هرچند وجود این اقوال در منابعی غیر از منابع اصلی تذکره منتفی نیست و نمی‌توان به‌طور قطع و یقین گفت که عطار این اقوال را حتماً از بیاض و سواد گرفته است، اما قرائن برون‌متنی و نیز مقایسه تذکره الأولیاء با منابع اصلی آن، مؤید این احتمال است که این اقوال از البیاض و السواد گرفته شده است.

۲-۲-۱. قرائن برون‌متنی دالّ بر استفاده عطار از البیاض و السواد: این‌که عطار نیشابوری کتاب البیاض و السواد سیرگانی را دیده و مورد استفاده قرار داده باشد، بسیار طبیعی و محتمل به نظر می‌رسد. عطار خود در مقدمه تذکره تصریح کرده که از کودکی شیفته سخنان مشایخ تصوّف بوده و دوستی این طایفه در جانش موج می‌زده است (عطار، ۱۳۹۸: ۷). با توجه به این شدت علاقه و جستجوگری، بسیار بعید است کتابی مشحون از اقوال مشاهیر تصوّف که در همان زمان عطار در دمشق مورد استفاده ابن‌عربی قرار می‌گرفته (نک. شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۳۰؛ پورمختار، ۱۳۹۰: سی‌ونه) از چشم وی دور مانده باشد. عطار، هم در تذکره الأولیاء (عطار، ۱۳۹۸: ۳۹۰) و هم در مصیبت‌نامه (همو، ۱۳۸۶: ۲۳۲)، از خواجه علی سیرگانی مؤلف البیاض و السواد، نام برده و با اشرافی که او به احوال مشایخ تصوّف داشته، به ظنّ قریب به یقین، از تألیف بسیار مهم خواجه سیرگانی اطلاع داشته است. عطار در مصیبت‌نامه از مؤلف البیاض و السواد با وصف «رهبری الحق رهنما» یاد کرده که حکایت از شناخت و تکریم دارد. به علاوه، باید در نظر داشت که میان دو شهر نیشابور و سیرجان، از زمان‌های قدیم یعنی از عصر ابوحنیفه حدّاد و شاه شجاع کرمانی و یحیی بن معاذ رازی و ابو عثمان حیری، ارتباط و رفت و آمد مشایخ وجود داشته است (نک. پورمختار، ۱۳۹۸: ۲۷-۴۲) این ارتباط تا حدّی است که در عصر بوسعید یکی از مهم‌ترین محلات نیشابور به نام چهارسوی کرمانیان، مسکن کرمانیان مهاجر به نیشابور بوده است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۱: ۷۳۷). اشارت بوسعید به برتری خواجه علی حسن سیرجانی (نک. میهنی، ۱۳۸۱: ۳۴۳) حاکی از شناخت نزدیک وی از خواجه است. در آن عصر، روابط تجاری و اقتصادی هم بین نیشابور و سیرجان گرم بوده است (نک. حاتمی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). با توجه به این موارد، استفاده عطار از البیاض و السواد بسیار طبیعی است.

۲-۲-۲. قرائن درون‌متنی دال بر استفاده عطار از البیاض و السّواد

۲-۲-۲-۱. ترتیب یکسان تعدادی از اقوال مشترک در تذکره و بیاض و سواد: توالی همانند پاره‌ای گفتارها در تذکره و بیاض و سواد می‌تواند موید استفاده عطار از بیاض و سواد باشد. البته ما این احتمال را نیز در نظر داریم که ترتیب یکسان پاره‌ای اقوال در دو کتاب می‌تواند ناشی از مآخذ/مآخذ مشترک آن‌ها باشد، اما بسامد این همانندی در ترتیب اقوال، مخصوصاً آن‌هایی که منحصر به بیاض و سواد هستند، آن‌قدر بالاست که احتمال استفاده عطار از البیاض و السّواد را بسیار تقویت می‌کند. در ذیل، فقط به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود؛ با این توضیح که اقوالی که فقط در بیاض و سواد وجود دارند، با خطی در زیر آن‌ها مشخص شده‌اند:^۱

- دو قول تذکره (۱۴/۲۳ و ۱۵/۲۳) در بیاض و سواد با یک قول فاصله آمده‌اند.^۲

- قول ۳۲/۴۳ تذکره از ترکیب دو قول پشت سر هم در بیاض و سواد ساخته شده است.

- سه قول ۱۶۳/۴۳، ۱۷۰/۴۳، ۱۷۲/۴۳ در یک صفحه تذکره (ص ۴۵۷) و به فاصله

نزدیکی قرار گرفته‌اند.

- دو قول ۱۳/۴۴ و ۱۴/۴۴ پشت سر هم واقع شده‌اند.

- دو قول ۶۳/۴۶ و ۶۴/۴۶ پشت سر هم و دو قول ۷۰/۴۶ و ۷۸/۴۶ در فاصله نزدیک

به آن‌ها واقع شده‌اند.

- دو قول ۱۱۸/۷۵ و ۱۱۹/۷۵ از پی‌یکدیگر و به فاصله نزدیک به آن‌ها سه قول

۱۳۲/۷۵، ۱۳۳/۷۵ و ۱۳۴/۷۵ نیز پشت سر هم قرار گرفته‌اند.

- چهار قول ۹۰/۸۵، ۹۱/۸۵، ۹۲/۸۵، ۹۳/۸۵ به دنبال هم آمده‌اند.

- در سه صفحه ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ تذکره، ۲۰ فقره از اقوال جنید در بیاض و سواد

۱. در تمام مقاله و نیز جدول پایانی، رقم سمت راست شماره باب و رقم سمت چپ، شماره بند همان باب است.

مثلاً: ۲۶/۲ قول ۲۶ از باب دوم تذکره الأولیاء (ذکر اویس القرنی) است و ۳۱/۲۵ البیاض و السّواد یعنی قول ۳۱

از باب ۲۵ بیاض و سواد (باب ذکر العبد و معنی العبودیة). همچنین اقوالی که از میان منابع اصلی تذکره فقط در

بیاض و سواد وجود دارند، با خطی در زیر آن‌ها مشخص شده‌اند.

۲. برای مشاهده اقوال بیاض و سواد، که معادل اقوال ذکرشده از تذکره هستند، به جدول پایانی مقاله مراجعه شود.

دیده می‌شوند: ۲۱۱/۴۳؛ ۲۱۶/۴۳؛ ۲۱۷/۴۳؛ ۲۱۸/۴۳؛ ۲۲۰/۴۳؛ ۲۲۵/۴۳؛ ۲۲۶/۴۳؛
۲۲۸/۴۳؛ ۲۳۳/۴۳؛ ۲۳۴/۴۳؛ ۲۳۷/۴۳؛ ۲۳۸/۴۳؛ ۲۴۰/۴۳؛ ۲۴۱/۴۳؛ ۲۴۶/۴۳؛
۲۴۹/۴۳؛ ۲۵۰/۴۳؛ ۲۵۲/۴۳؛ ۲۵۵/۴۳.

- دو قول حلاج ۴۲/۷۲ و ۴۳/۷۲ که در تذکره بلافاصله پشت سر هم قرار گرفته‌اند، در
البياض و السواد با فاصله سه قول پشت سر هم واقع شده‌اند.

- در صفحه ۸۰۷ و ۸۰۸ تذکره، هشت قول از واسطی هست که در البياض و السواد هم
دیده می‌شوند. از این هشت قول پنج مورد در تذکره پشت سر هم آمده‌اند: ۵۱/۸۵؛
۵۲/۸۵؛ ۵۳/۸۵؛ ۵۴/۸۵؛ ۵۵/۸۵؛ ۶۳/۸۵؛ ۷۴/۸۵؛ ۷۵/۸۵.

- در بخش ابوالقاسم نصرآبادی پنج قول مشترک با بیاض و سواد آمده که چهار مورد
آن‌ها پشت سر هم قرار دارند: ۳۸/۹۳؛ ۳۹/۹۳؛ ۴۰/۹۳؛ ۴۱/۹۳؛ ۴۳/۹۳.

جدول اقوال مشترک تذكرة الأولياء والبياض والسواد، نمونه‌های بیشتری از این همانندی
در ترتیب اقوال دو کتاب را نشان می‌دهد. با توجه به شواهد یادشده، می‌توان این فرضیه را
مطرح کرد که عطار با مراجعه به بیاض و سواد (و نیز سایر منابع اصلی تذکره) اقوال مربوط
به هر کدام از مشایخ را انتخاب و پشت سر یا نزدیک به هم در فصل مربوط به آن شیخ قرار
می‌داده است.

۲-۲-۲. ترجمه دقیق عطار از البياض و السواد: از دیگر مواردی که می‌توان به‌عنوان
قرینه‌ای بر استفاده عطار از البياض و السواد ذکر کرد، مواضعی است که متن تذکره، ترجمه
دقیق از بیاض و سواد است. قبل از ایراد نمونه‌ها، باید خاطر نشان کرد که دقت در تذکره و
منابع عربی آن، مشخص می‌کند که عطار در بسیاری از موارد ترجمه‌ای تقریباً آزاد از منابع
خود انجام داده و به کاست و افزودهایی در اقوال دست زده است. با این همه گاه اقوالی در
تذكرة الأولياء دیده می‌شود که به نظر می‌رسد ترجمه طابق النعل بالنعل از البياض و السواد
است. هر چند که امکان استفاده عطار و سیرگانی از متن /متون مشترک منتفی نیست، اما تا
چنان متون مفروضی پیدا نشوند، باید پذیرفت که مأخذ این اقوال، البياض و السواد
سیرجانی بوده است. مثلاً شفيعی کدکنی درباره حکایتی از سهل بن عبدالله تستری

(عطار، ۱۳۹۸: ۳۱۵) نوشته است:

تمام این حکایت را عطار از البیاض و السوادِ خواجه علی سیرگانی ص ۲۹۳ گرفته است یا هر دو تن سندِ مشترکی داشته‌اند. عبارات عطار ترجمه دقیق‌گفتار سیرگانی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۱۲۶۲).

مورد بسیار قابل توجه دیگر مربوط به قولی از ابوبکر واسطی است که در تذکره به این صورت آمده است:

● شریف‌ترین نسبت‌ها آن است که نسبت جویی به خدای به عبودیت (تذکره: ۸۰۷).

این قول، از بین منابع اصلی تذکره، فقط در بیاض و سواد وجود دارد. شفیی کدکنی در

تعلیقات تذکره درباره آن چنین می‌گوید:

در تمام نسخه‌ها «شریف‌ترین نسبت‌ها» است و استاد نیکلسون، در بخش نسخه‌بدل‌های چاپ خود p.60 یادآور شده است که «تمام نسخه‌ها نسبت دارد و من از طریق رساله قشیریه آن را به نشست اصلاح کردم به دلیل اشرف المجالس و اعلاها الجلوس مع الفكرة فی میدان التوحید» (الرسالة القشیریة ۷) نظر استاد نیکلسون درست است. در ترجمه کهن فارسی رساله نیز عبارت بدین گونه است: «شریف‌ترین و برترین مجلس‌ها نشستن بُود به فکرت اندر میدان توحید» (ص ۲۱) گویا در نسخه‌ای که عطار ازین عبارت جنید داشته است، نشست/نسبت تصحیف شده بوده است زیرا در ترجمه عربی کهن تذکره الأولیاء نیز اعظم النسب آمده است (شفیعی کدکنی ۱۳۹۸: ۱۴۴۷).

اما، نظر استاد نیکلسون در این مورد صائب نبوده است، زیرا این قول ترجمه دقیق سخن واسطی در البیاض و السواد است و عطار این گفتار و قول پیش از آن را عیناً از البیاض و السواد گرفته است. به همین دلیل است که تمام نسخه‌های تذکره «شریف‌ترین نسبت‌ها» دارند که مطابق با مأخذ این قول یعنی البیاض و السواد است:

■ وقال الواسطی: أشرف الأنساب أن تنسب إلى ربك بالعبودية. (بیاض و سواد: ۱۳۷).

۲-۲-۳. وجود ۹۴ قول تذکره الأولیاء در البیاض و السواد که در سایر منابع اصلی نیستند:

در جدول تطبیقی تذکره و بیاض و سواد نشان داده‌ایم که ۹۴ قول تذکره در دیگر منابع این کتاب - که مصحح آن‌ها را اصلی دانسته است - وجود ندارد و منحصرأ در البیاض و السواد دیده می‌شود. در جایی که سایر منابع اصلی عطار قولی را ندارند قاعدتاً منبعی اصلی که آن قول را دارد محتمل‌ترین مأخذ عطار است، هرچند که احتمال استفاده از منبعی غیر از منابع

اصلی هم منتفی نیست. بدیهی است که اگر هم مواردی از این اقوال ۹۴ گانه در منابع پیش از عطار یافت شود، لزوماً بدین معنا نیست که آن قول از البیاض و السواد گرفته نشده باشد. از سوی دیگر چنان‌که پیش‌تر گفته شد (بند ۲-۱-۲)، تعدادی از اقوال مشترک دو کتاب که هم در منبعی دیگر از منابع اصلی وجود دارند و هم در البیاض و السواد، می‌توانند از این کتاب اخذ شده باشند.

۲-۲-۳. نکاتی راجع به اقوالی از تذكرة الأولياء که منحصرأ در البیاض و السواد دیده می‌شوند

این دسته از اقوال در جدول تطبیقی تذکره و بیاض و سواد مشخص شده‌اند. در مورد ۱۷ فقره از این اقوال، توضیحاتی لازم است که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

● و گفت: هرکه دل خویش را مرده گرداند به کثرت شهوات، او را در کفن لعنت پیچند و در زمین ندامتش دفن کنند و هرکه نفس را بمیراند، به باز ایستادن از شهوات، در کفن رحمتش پیچند و در زمین سلامتش دفن کنند (تذکره: ۱۹۲).

■ وقال أبو یزید: من أَمَات نفسه یلفّ فی کفن الرحمة ویدفن فی أرض الکرامة ومن أَمَات قلبه یلفّ فی کفن اللعنة ویدفن فی أرض العقوبة. (بیاض و سواد: ۱۶۰)

- مواردی که زیر آن‌ها خط کشیده شده از اضافات توضیحی عطار هستند که نمونه‌های آن در سراسر تذکره به وفور دیده می‌شود. در ادامه نمونه‌هایی از این اضافات توضیحی عطار را می‌بینیم.

● و گفت: لا أله الا الله لازم است خلق را اعتماد بدان کردن به دل و اعتراف بدان به زبان و وفا بدان، به فعل (تذکره: ۳۲۱).

■ قال سهل بن عبد الله: إن کلمه لا إله الا الله، لازمة للخلق الاعتقاد بها قلباً والإعتراف بها نطقاً والوفاء بها فعلاً (بیاض و سواد: ۴۴).

- ظاهراً عطار «اعتقاد» را «اعتماد» خوانده یا در نسخه مورد استفاده او چنین بوده است.

● و یک روز شبلی در مجلس جنید گفت: الله. جنید گفت: ای شبلی! اگر خدای غایب است، ذکر غایب غیبت است و غیبت حرام است و اگر حاضر است، در مشاهده حاضر نام او بردن ترک حرمت است (تذکره: ۴۴۴).

■ وقال الشبلی فی مجلس الجنید الله فقال له الجنید: یا با بکر الغیبة حرام فإن کنت غائباً فالذکر غیبة وإن کنت تذکر عن مشاهده فهو ترک الحرمة (بیاض و سواد: ۲۶۷).

- قبل از این قول، در بند ۶۱/۴۳ تذکره، قول دیگری آمده است: «چنان که نقل... نرسیدی»؛ و بعد قولی که در بالا آوردیم در ادامه آن آورده شده است. اما این دو قول مستقل از یکدیگرند و بایستی از هم جدا می‌شدند. این قول اخیر در بستان العارفین با ساختار دیگری به‌عنوان حکایتی مجزا آورده شده است (نک. منتخب رونق المجالس، ۱۳۵۴: ۳۹۸).

■ وقال الجنید: الصبر حبس النفس مع الله بنفى الجزع (بیاض و سواد: ۲۳۴).

- چنان‌که در ذیل بند ۱-۳ گفته شد «رجوع» در این قول تصحیف «جزع» است.

● و گفت: مکر آن است که کسی بر آب می‌رود و در هوا می‌پرد و هم او را تصدیق می‌کند و اشارات او را درین تصحیح می‌کند. این جمله مکر بود کسی را که داند (تذکره: ۴۶۱).

■ وقال الجنید: المکر المشى فى الهواء والمشى على الماء وإجابة الدعاء وصدق الوهم وصحة الإشارة وسعة الرزق وكل ذلك مكر علم من علم وجهل من جهل (بیاض و سواد: ۲۹۷).

- عطار این سخن جنید را مختصر کرده است. این‌گونه حذف و اضافات، در پاره‌ای از اقوال تذکره دیده می‌شود.

● و گفت: اول مقامات اهل معرفت تحیر است با افتقار به هم. پس سرور است با اتصال به هم. پس فناست با انتباه به هم. پس بقاست با انتظار به هم. و نرسد هیچ مخلوقی بالای این (تذکره: ۴۷۹).

■ وقال أبو سعيد الخراز: أول مقامات أهل المعرفة التحير مع الإفتقار ثم السرور مع الإلتصال ثم الفناء مع الإلتباه ثم البقاء مع الإلتظار ولا يبلغ المخلوق ما فوق هذا (بیاض و سواد: ۵۴).

- عطار بعد از آوردن این قول، سؤال محتملی را طرح کرده و به آن جواب داده است که نباید جزو سخن خراز محسوب شود: «اگر کسی گوید...».

● و سؤال کردند از عبودیت گفت: مشاهده ربوبیت (تذکره: ۴۹۱).

■ وسئل أبو الحسن النورى عن العبودية فقال: مشاهدة الربوبية (بیاض و سواد: ۱۳۹).

- قول بعدی که در ادامه این قول آمده است: «سؤال کردند...»، سخنی جداست و بایستی در بندی مجزا بیاید. چنان‌که دو قول ۳۲/۴۶ و ۳۳/۴۶ با همین ساختار در دو بند بعد به‌عنوان اقوالی جداگانه آورده شده‌اند.

● و گفت: مریدان بستگان‌اند و مراد از مستان (تذکره: ۴۹۳).

■ وقال أبو الحسن النورى: المرید عطشان والمراد سكران (بیاض و سواد: ۲۷۱).

- شفیعی کدکنی در تعلیقات تذکره، اصل گفتار نوری را از بیاض و سواد آورده و درباره

عدم صحّت «بستگان» و درستی «تشنگان»، توضیح داده است (نک. شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۱۳۱۹).

● و گفت: هر چیزی را عقوبتی است و عقوبت عارف آن است که از ذکر حق تعالی باز ماند (تذکره: ۴۹۴).

■ وقال الثوری: لكل شیء عقوبة وعقوبة العارف إنقطاعه عن الذكر (بیاض و سواد: ۲۶۹).
- در حلیة الأولیاء این قول به نام ذوالنون مصری آورده شده است. دیگر آن که در حلیه، به جای «لکل شیء»، «لکل قوم» آمده است (الاصفهانى، بی تا: ۳۵۵/۹).

● و هرکه را اندیشه او در جمله معانی خدای نبود نصیب او در جمله معانی از خداوند تعالی ناقص است (تذکره: ۵۰۲).

■ وقال أبو عثمان: من لم یکن الله فی کل المعانی همّة کان منقوصاً من الله عزّ وجل فی کلّ المعانی حظّه (بیاض و سواد: ۳۳۷).

- این بند تذکره از دو قول مجزا ترکیب شده است؛ بخش نخست: «صلاح دل در چهار چیز است... مراقبت» از تهذیب الأسرار (خرگوشی، ۱۹۹۹: ۱۰۶)، و قول دوم: «و هرکه را اندیشه... از بیاض و سواد، گرفته شده است. شفیعی کدکنی بخش نخست این بند را به طبقات الصوفیة سلمی (سلمی، ۱۹۶۹: ۱۷۲) ارجاع داده، اما متن تذکره با طبقات، متفاوت و دقیقاً مطابق با تهذیب است.

● و گفت: جمع آن است که خلق را جمع گردانند در توحید. و تفرقه آن است که در شریعت خلق را متفرق گردانند (تذکره: ۶۶۵).

■ وقال ممشاذ الدینوری: جمعهم فی حقیقة التوحید وفرّقهم فی احکام الشریعة (بیاض و سواد: ۳۲۵).

- ضبط نسخه بدل های این قول تذکره با اصل عربی آن تطابق بیشتری دارند (نک. شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۱۰۵۰).

● و گفت: فاضل ترین ذکری، نسیان ذاکر است در مشاهده مذکور (تذکره: ۶۸۴).
■ وقال الشبلی: أفضل الذکر نسیان الذکر فی مشاهدة المذکور (بیاض و سواد: ۲۶۸).

- ضبط «ذکر» به جای «ذاکر» که در نسخه بدل های این قول آمده است با متن البیاض و السواد و صورت ناقصی از این قول در اللمع (سراج طوسی، ۱۹۱۴: ۲۲۰)، تطابق بیشتری دارد (نک. شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۱۰۵۷).

● شریف ترین نسبت ها آن است که نسبت جویی به خدای به عبودیت (تذکره: ۸۰۷).

■ وقال الواسطي: أشرف الأنساب أن تنسب إلى ربك بالعبودية (بياض و سواد: ۱۳۷).

- برای نکته مهمی راجع به این قول، نک. بند ۲-۲-۲-۲.

● و گفت: تن همه تاریکی است و چراغ او سر است. هر که را سر نیست، او همیشه در تاریکی است (تذکره: ۸۰۸).

■ وقال الواسطي: النفس ظلمة وسراجها سرها فمن لم يكن له سر فهو في ظلمة أبداً (بياض و سواد: ۱۶۳).

- قولی شبیه به این سخن واسطی و با تفاوت‌هایی، در رساله قشیریه به نام بوحفص حداد آمده است (نک. عثمانی، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

● و گفت: شاد بودن به کرامات از غرور و جهل است. و لذت یافتن به افضال، نوعی از غفلت است (تذکره: ۸۰۹).

■ وقال الواسطي: الفرح بالكرامات من الإغترارات والجهالات والتلذذ بالافضال من الإغفال والخمود تحت خواص الأمور زين لكل مأمور (بياض و سواد: ۲۹۳).

- عطار چنان‌که معمول اوست، بخشی از کلام را انداخته است.

● و گفت: عمل به حرکات دل شریف‌تر است از عمل به حرکات جوارح، و اگر فعل را نزدیک حق تعالی قیمتی بودی، چهل سال پیغمبر، علیه السلام، خالی نماندی از آن (تذکره: ۸۱۰).

■ وقال الواسطي: العمل بحركات القلوب أشرف من العمل بحركات الجوارح لو كان للفعل عنده قيمة ما خلا محمداً أربعين سنة منه (بياض و سواد: ۱۶۳).

- شفیعی کدکنی در تعلیقات تذکره نوشته است: «در تذکره الأولیاء، مرز میان سخنان واسطی و تفسیر مؤلف تذکره، به هیچ روی قابل شناسایی نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۱۴۴۶). اما بر طبق اصل عربی این قول مشخص می‌شود که عطار جمله‌ای توضیحی به پایان این سخن واسطی افزوده است: «نه آن که عمل ممکن لیکن تو با عمل مباش». نکته دیگر این که صورت مختصری از این قول به نام حارث محاسبی در چند متن عرفانی آمده است (نک. سلمی، ۱۹۶۹: ۵۹؛ الاصفهانی، بی تا: ۱۰/۱۰۹؛ هجویری، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

● و گفت: مادام [که] کون موجود بود، تفرقه موجود بود. پس چون کون غایب گشت، حق ظاهر شد. و این حقیقت جمع بود که جز حق نبینند اینجا و جز ازو سخن نگویند (تذکره: ۸۳۲).

■ وقال الحصري: مادام الكون موجوداً فالتفرقة موجودة فإذا غاب الكون ظهر الحق وهو حقيقة الجمع لا ترى إلا الحق ولا تنطق إلا عنه (بياض و سواد: ۳۲۴).

- شفیع کدکنی قسمت پایانی سخن حصری: «و این حقیقت... نگویند»، را به عنوان تفسیر عطار بر سخن حصری گرفته، اما بر طبق آنچه در البیاض و السواد آمده، این قسمت نیز جزو کلام حصری است.

۳. جدول تطبیقی تذکره الأولیاء و البیاض و السواد

جدول ذیل حاصل مطالعه مقایسه‌ای - استقرایی اقوال و حکایات تذکره الأولیاء و البیاض و السواد است. این جدول، تحقیق در اصل عربی اقوال تذکره الأولیاء در البیاض و السواد را تسهیل و تسریع می‌کند و می‌تواند همچون الگویی در مورد سایر منابع اصلی تذکره الأولیاء استفاده شود. نکته قابل ذکر در استفاده از این جدول آن‌که، در پاره‌ای از اقوال، بین متن تذکره و البیاض و السواد تفاوت‌هایی هست که ممکن است به یکی از دلایل ذیل باشد:

۱-۳. گاهی عطار بخشی از قول را گزینش و ترجمه کرده است نه همه آن را، چنان‌که قول ۱۳۹/۳۵ تذکره بخشی از قول ۱۰/۴۴ البیاض و السواد است.

۲-۳. گاهی بخشی از قول تذکره، توضیح عطار است راجع به سخن عارف؛ به عنوان نمونه قول ۶۶/۱۳ تذکره، مرکب از دو بخش است: الف) «و گفت... بیشتر» سخن ذوالنون است که در بند ۸۸/۷۳ بیاض و سواد آمده است؛ ب) «از جهت... نبود» توضیح عطار است.

۳-۳. گاهی تغییر در قول، حاصل نقص نسخه مورد استفاده عطار یا بدخوانی او و یا اشتباه کاتبان تذکره است. مثلاً در بند ۱۳۳/۴۳ تذکره، واژه «خود» در پایان قول ناشی از بدخوانی واژه «جود» است.

۴-۳. گاهی عطار قولی را از ترکیب دو قول عربی ساخته است. مانند بند ۷۷/۲۸ که به نظر می‌رسد ترکیبی از دو قول ۲۷/۳۰ و ۲۹/۳۰ بیاض و سواد است.

۵-۳. گاهی - در تصحیح جدید تذکره - دو یا سه قول مجزا یک بند حساب شده‌اند، اما با توجه به اصل عربی آن‌ها مشخص می‌شود که در واقع دو/چند قول هستند که بایستی جداگانه نوشته می‌شدند؛ ازین جمله‌اند اقوال ۹/۱۲، ۳۹/۲۸، ۱۵۸/۲۸، ۶۱/۴۳، ۳۱/۴۶.

جدول تطبيق تركة الأولياء واليائض والسواد

	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢
تذكرة	٢٤/٢٥	٣١/٢٥	٣٥/٢	٣٢/١٨	٧/٣	٤٧/٢	٢٥/٤	٥/٣٨	٧/٥	١٣/١٠	١٠/٥	٢٨/٣٧
يائض	٣٥/١٠	٣٥/١٠	٢٨/٩	٧/١٢	١٧/١٠	٢٤/٥٦	٤٧/١٠	١٢/٥٨	٥٠/١٠	٢٣/٥٢	٥٤/١٠	٥/٣٣
تذكرة	٢٨/١١	٢٤/٢٨	٥٨/١١	١٥/٢٠	٩/٢	٣١/٢٣	٩/١٢	٥٧/٢٤	١١/١٢	٧/٢١	١٥/١٢	١١/٢٣
يائض	٢٣/١٢	٤١/١٩	٤١/٢	٣٦/٣٢	١٤/١٣	١٠/٥٦	١٧/١٣	٤١/٥٠	٢٧/١٣	٣٦/٢٣	٣٥/١٣	٢٣/٤٤
تذكرة	٣٨/١٣	٢٤/٢١	٤١/١٣	٢٠/٤٣	٢٣/١٣	٥/٢٧	٤٥/١٣	٤/٢٧	٤٨/١٣	٨/٣٧	٥٢/١٣	٥٣/١٢
يائض	٥٧/١٣	١١١/٦	٥٩/١٣	٨١/٨	٤٠/١٣	٨٢/٨	٦٦/١٣	٨٨/٧٣	٥٧/١٣	٧١/٨	٧٢/١٣	١٧/٢٥
تذكرة	٧٤/١٣	٢٤/١٢	٧٥/١٣	٣٢/١٢	٨٠/١٣	٢٧/٢١	٨٣/١٣	٨/٧٣	٨٤/١٣	١٤/٤٢	٨٥/١٣	٢٢/٥١
يائض	٨٤/١٣	٦/٥١	٩٣/١٣	٨/٤٧	٩٧/١٣	٧٠/٧٣	١٠٠/١٣	١٠/٥٦	١٠٣/١٣	١٩/٥٢	١٠٩/١٣	١٦/٥١
تذكرة	١١٣/١٣	١٧/٣٠	١١٤/١٣	٣٥/١٥	١٢/١٣	٣٤/٣٢	١٢٤/١٣	٤٥/٣	٤٥/١٣	١٣٢/٣٧	١٣٥/١٣	٢٩/١٠
يائض	١٣٨/١٣	٤/٣٤	١٣٩/١٣	٣٢/٣٤	١٤٠/١٣	٣٨/٣٤	١٤٧/١٣	٧٢/٨	١٤٨/١٣	٣٥/٢٩	١٥٥/١٣	٢٨/٣٤
تذكرة	١٢/١٤	٨/٥٥	١٧/١٤	٣٣/٢٩	٣٠/١٤	٧/٢	٣١/١٤	٥/٢	٥٠/١٤	١٧/٢٠	٥٣/١٤	٢٢/٣٨
يائض	٧٠/١٤	١٠/٧٣	٧٣/١٤	٢٥/٢٠	٨٩/١٤	٣٨/٢١	٩٧/١٤	٥٢/٢	١٠٥/١٤	١٥/٣٢	١٢٤/١٤	٢٣٧/٧٣
تذكرة	١٣٤/١٤	٣٨/٢٥	١٣٧/١٤	٢٨/١٢	١٩٤/١٤	٨٢/٨	٢٠٥/١٤	١٦/٢٩	٢٠٩/١٤	١٩/٥٥	٢٢٢/١٤	١٩/١٣
يائض	٢٣٩/١٤	٣١/٣٨	٢٥٣/١٤	١٥/٣	٢٤/١٥	١٠/٢٥	٢٧/١٥	٤٠/٢٥	٢٩/١٥	٩٨/٧٣	٣٧/١٥	٤٥/١
تذكرة	٣٠/١٧	٧٥/٨	٣١/١٧	١٩/٤٣	٤١/٢٢	٥/٣٩	٩/٢٢	١٩/٢٤	١١/٢٢	١٥/٥٦	١٢/٢٢	١٠/٢٣
يائض	١٤/٢٢	١٥/٤٨	١٥/٢٢	٤٠/٥٧	٢٧/٢٢	٨/٥٣	١٤/٢٣	٢٧/٢٤	١٥/٢٣	٢٥/٤٤	١٩/٢٣	٢٧/٢٩
تذكرة	١٩/٢٣	٣٥/٢٣	٢٢/٢٣	١٥/٢٣	٢٤/٢٣	٨/٢٣	٣٠/٢٣	٢٥/٥٢	٤٥/٢٣	١١/١٥	٥٠/٢٣	١٥/٤٥
يائض	١٩/٢٣	٢٧/٢٣	٢٥/٢٣	٤٩/٨	٧٤/٢٣	٢٥/١٠	٧٨/٢٣	٤٩/١	٨٣/٢٣	١٤/١٥	٨٤/٢٣	٢٢/٣
تذكرة	٩/٢٨	١٤/٢	٢٧/٢٨	٣١/٥٠	٣٩/٢٨	٤٠/٢٣	٤٠/٢٨	٢٩/٢٣	٤٢/٢٨	١٣/١٣	٥٥/٢٨	٢١/٣

	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢
	تذكرة	بياض	تذكرة	بياض	تذكرة	بياض	تذكرة	بياض	تذكرة	بياض	تذكرة	بياض
٢٠	٦٠/٢٨	١٧/١٧	٦٩/٢٨	٧/٣٥	٧٢/٢٨	٧٦/٢٥	٧٣/٢٨	٥/٦٠	٧٣/٢٨	٣٣/٢٨	٧٧/٢٨	٢٧/٣٠
٢١	٧٧/٢٨	٢٩/٣٠	٨٧/٢٨	٨/١٨	٨٢/٢٨	١٩/١٨	٩١/٢٨	٣٨/٣	١٠٥/٢٨	٢/٧	١٠٧/٢٨	٨٤/٦
٢٢	١١٢/٢٨	٥٣/٢١	١١٩/٢٨	٤١/٥٧	١٢٧/٢٨	٣٠/٤٤	١٣٥/٢٨	١٠/٢٩	١٤٠/٢٨	٦٨/٧٣	١٣١/٢٨	١٠١/٣
٢٣	١٥١/٢٨	٦/٥٨	١٥٨/٢٨	٢٨/٢٧	١٥٩/٢٨	٥/٢٢	١٦٠/٢٨	١٩/٢٧	١٢/٢٩	٢١/٣٣	٢٢/٢٩	١٩/٣٧
٢٤	٢٣/٢٩	١٨/١٣	٨/٣٠	٩/٢	٩/٣٠	٢٨/٢٩	٢٦/٣٠	٢١/٥٨	٣٩/٣٠	١٣/٥١	٤٠/٣٠	٨/٢٥
٢٥	٤١/٣٠	٢٨/٢٦	٤٤/٣٠	٤٩/١٥	٥٢/٣٠	١٨/٤٣	٥١/٣٠	٣١/١٤	٥٩/٣٠	١١/٤٣	١٠/٣٢	٥١/٤٤
٢٦	٨/٣٤	٥/٥١	٢٣/٣٣	١٧٥/٧٣	٢٨/٣٣	١٠٨/٧٣	٤/٣٤	٦/٣٨	٥/٣٤	٤٢/٢	٧/٣٤	٢٨/١٦
٢٧	٢٢/٣٤	٢٨/٥٦	٣٠/٣٤	٧٢/٢٥	٣١/٣٤	٢٣/٧٣	٣٥/٣٤	٥/٣٩	٢٥/٢٥	٢٥/٢٤	٢٧/٢٥	٢٥/٣٧
٢٨	٢٨/٣٥	٢٩/٢٧	٣١/٣٥	١٣/٢٣	٣٢/٣٥	١٧٨/٧٣	٣٥/٣٥	٣٥/٢٦	٤٢/٣٥	٢٢/٣٢	٥٥/٣٥	٣٥/١٤
٢٩	٥٧/٣٥	٢١/١٠	٥٨/٣٥	٢٠/٣٠	٧٤/٣٥	٤٠/٣٣	٧٥/٣٥	١٤/٢٣	٨١/٣٥	٢٧/٥٥	٨٣/٣٥	١١/٣٢
٣٠	٨٤/٣٥	٣١/٤٣	١٠٥/٣٥	٨/١٣	١٠٩/٣٥	٣٣/١٤	١٢١/٣٥	٧٠/٢١	١٢٣/٣٥	٤٣/٣٢	١٣٩/٣٥	١٠/٤٤
٣١	١١/٣٦	٣٧/٢١	١٣/٣٦	٣١/٤٤	١٥/٣٦	٥٢/٤٤	٢٢/٣٦	٢٠/١٢	١١/٣٧	٧٧/٦	١٢/٣٧	١٠/٣٧
٣٢	١٤/٣٧	١١/٣٧	٢٠/٣٧	٥٢/٧	٢٧/٣٧	٩٩/٢١	٤/٣٨	٢٥/١٨	٩/٣٨	١٥٨/٣	١/٣٨	١٣/٤٩
٣٣	١٤/٣٨	١٤/٣٣	١٩/٣٨	٤٠/١٥	٣٣/٢١	٣٣/٢	١٩/٣٨	٣٨/٣٣	٢٥/٣٨	٣٣/٢١	٢٥/٣٨	٢٨/٤٤
٣٤	٧٧/٢٨	٢٩/٣٠	٨٧/٢٨	٤٠/١٥	٤٥/٣٨	٤٧/٣	٤٧/٣٨	٨٥/٢٥	٥٣/٣٨	١٣/٢٦	٥٧/٣٨	٣٠/٣٤
٣٥	٧٧/٢٨	٢٩/٣٠	٨٧/٢٨	٤٠/١٥	٤٥/٣٨	٤٧/٣	٤٧/٣٨	٨٥/٢٥	٥٣/٣٨	١٣/٢٦	٥٧/٣٨	٣٠/٣٤
٣٦	١٧/٣٩	٢٣/١٨	٢٣/٣٩	١٨٣/٧٣	٣٤/٣٩	٨٥/٢٥	٣٤/٣٨	١٨١	١٢/٤٠	١٩/١	١٩/١	١١/٥٠
٣٧	٢٥/٤١	٨٩/٢٥	٢٩/٤١	٣٢/٧٣	١٣/٤٢	١٠/٥١	٩/٤٣	٨/٥٣	١٠/٤٣	٢٨/٢	٣٠/٤٣	٣٢/٣٢

١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢
٣٨	مياض ٤٢/٣	مناكزه ٢٢/٣٣	مياض ٤٢/٣	مناكزه ٤٠/٣٣	مياض ٨٠/٣	مناكزه ٤١/٣٣	مياض ٩/٥٤	مناكزه ٧٨/٣٣	مياض ١٥/٢٣	مناكزه ٨٤/٣٣	مياض ١٣١/٣٣
٣٩	١٧/٣٢	١٠/٣	٢٠/٣	١١٣/٣٣	١١٠/٣٣	١١٧/٣٣	١٥/٣٠	١١٩/٣٣	٥٩/٨	١٢٣/٣٣	١٢٣/٣٣
٤٠	١٢٣/٣٣	١٢٨/٣٣	٥٣/٣٢	١٣١/٣٣	٤٨/٧٣	١٣٣/٣٣	٤٢/٣	١٣٧/٣٣	٥٧/٢٩	١٣٨/٣٣	١٣٨/٣٣
٤١	١٤٥/٣٣	١٥٣/٣٣	٤٩/٣	١٥٩/٣٣	١٥/٥	١٥١/٣٣	٤٧/٥	١٥٢/٣٣	٣/٥	١٥٣/٣٣	١٥٣/٣٣
٤٢	١٧٠/٣٣	١٧٢/٣٣	٤٧/٨	١٧٥/٣٣	٩/٨	١٨٧/٣٣	٤٣/٣٢	١٨٨/٣٣	٣٥/٥٧	١٩٠/٣٣	١٩٠/٣٣
٤٣	١٩٥/٣٣	٢٠٥/٣٣	١١/٢٢	٢٠٥/٣٣	٢١/٥١	٢١١/٣٣	١٢/٥٣	٢١٩/٣٣	١٨/٥١	٢١٧/٣٣	٢١٧/٣٣
٤٤	٢١٨/٣٣	٢٢٠/٣٣	٢٧/٣٣	٢٤٥/٣٣	١٢/٣٧	٢٢٥/٣٣	١٧/٥٠	٢٢٨/٣٣	١٣/٣٣	٢٣٣/٣٣	٢٣٣/٣٣
٤٥	٢٣٤/٣٣	٢٣٧/٣٣	٢٠/٣١	٢٣٨/٣٣	١١/٥٥	٢٤٠/٣٣	٣٥/٢١	٢٤١/٣٣	٢٨/٢١	٢٤٥/٣٣	٢٤٥/٣٣
٤٦	٢٤٩/٣٣	٢٥٠/٣٣	٨/٥٤	٢٥٥/٣٣	٥٥/٥	٢٥٧/٣٣	١٥/٥	٢٥٥/٣٣	١٥/٧	٢٥٩/٣٣	٢٥٩/٣٣
٤٧	٢٥٠/٣٣	٢٥٥/٣٣	٤/٥٢	٢٧٩/٣٣	١٥/٥٠	٢٨١/٣٣	١٨/٥١	٢٨١/٣٣	٣٤/٥٨	٢٨٤/٣٣	٢٨٤/٣٣
٤٨	١٤/٣٣	١٥/٣٣	٣/٥٨	١٧/٣٣	١٢/٥٩	١٢/٥٩	٥٥/٧	١٢/٥٩	٣٢/٢٧	١٣/٣٣	١٣/٣٣
٤٩	١١/٣٥	١٢/٣٥	٥٩/٢	١٥/٣٥	٢٣/٢٤	٢٥/٣٥	١٩/٨	٢٥/٣٥	٢٤/٣٥	٢٥/٣٥	٢٥/٣٥
٥٠	٣٧/٣٥	٣٢/٣٥	١٠١/٥	٤٣/٣٥	١٥٧/٧٣	٤٣/٣٥	٣١/٢	٤٣/٣٥	٧/٣٥	٤٣/٣٥	٤٣/٣٥
٥١	٨٤/٣٥	٨٢/٣٥	٤٣/٣	٤٣/٣٥	٥٩/٧٣	٣١/٣٥	٤٧/٢٥	٣٥/٣٥	٧٧/٨	٣٥/٣٥	٣٥/٣٥
٥٢	٨٠/٣٥	٩١/٣٥	١٩/٥٥	٤٣/٣٥	٧/٥٥	٤٣/٣٥	٤٣/١٥	٧٠/٣٥	٩/٥١	٧٨/٣٥	٧٨/٣٥
٥٣	٨٠/٣٥	٨٢/٣٥	٥١/٧	٤٣/٣٥	٣/٣٩	٤٣/٣٥	٣٩/١٥	٤٣/٣٥	٩/٣٧	٤٣/٣٥	٤٣/٣٥
٥٤	٢٢/٣٧	٢٤/٣٧	١٤/٣٥	٢٥/٣٧	٣/٣٣	٢٧/٣٧	٢٥/٧٣	٢٢/٣٧	٩/٣٤	٢٧/٣٧	٢٧/٣٧
٥٥	٥٠/٣٧	٥٣/٣٧	١٢/٣٨	٥٥/٣٧	١٧/٢٧	٤٣/٣٧	١٨/٢٥	٤٣/٣٧	١٠/٥٢	٤٣/٣٧	٤٣/٣٧
٥٦	٤٥/٣٧	٤٧/٣٧	٥٧/٢٤	٤٧/٣٧	١٥/٣١	٤٧/٣٧	٣١/٧٣	٤٧/٣٧	٣٠/٣١	٤٧/٣٧	٤٧/٣٧

	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢
	تذكرة	بياض	تذكرة	بياض	تذكرة	تذكرة	تذكرة	بياض	تذكرة	بياض	تذكرة	بياض
٥٧	٢٠/٧٨	٢٢/٢٠	٣١/٢٩	٣٣/٢٤	٣/٢٩	٥٠/٢٤	٥/٢٩	٥/٢٩	١٧/٢٩	٧/٨	١٨/٢٩	٢٣/٣
٥٨	١٩/٢٩	٥٥/٧٣	٧١/٢٩	٧٩/٧٣	٣٣/٢٩	١٦/١٤	٣٨/٢٩	٢٥/٥٢	١٥/٥٠	٩/٢	١٥/٥٠	٢٠/٢٦
٥٩	١٧/٥٠	٢٠/٢٦	١٩/٥٠	٥١/٢٥	٢١/٥٠	١٣/٢٢	٢٤/٥٠	٨١/٢٩	٣٠/٥٠	٢٩/٢٦	٣١/٥٠	٢٨/٢٩
٦٠	٢٩/٥٠	٢٢/٢٦	٥٢/٥٠	٥٠/٥٧	٥٢/٥٠	١٥/١١	٩٢/٥٠	٣٧/٢٧	٦٨/٥٠	٢٠/٥٥	٧٩/٥٠	٢٢/٢٦
٦١	٨٠/٥٠	٧/٢٩	٥/٥١	٢٧/٣٧	١٥/٥١	٤٠/٢٧	٩/٥٣	٩/٣٧	٧/٥٣	٢٩/٣٨	١٠/٥٣	٢١/٥٣
٦٢	١٩/٥٣	٣٧/٣	٢٢/٥٣	١٥/٢٩	٢٣/٥٣	٢٩/٢٧	٢٥/٥٣	٢٥/٢٧	٥/٥٢	١٢/٥٢	١٢/٥٢	٧/٣٩
٦٣	١٢/٥٢	١٨/٥٧	٩/٥٥	١٩/٢١	٩/٥٥	٥٢/١٥	١٧/٥٥	١٧/٥٩	١٧/٥٥	٣٠/٢٩	١٨/٥٥	٢٠/٧
٦٤	٢٥/٥٥	٥٠/٢٦	٢٧/٥٥	٥٥/٢١	٢٧/٥٥	٢٥/٣٢	١٥/٥٥	٩/٢٤	٩/٢٤	٩٥/٧٣	٩/٥٧	٢٠/٣٣
٦٥	١٢/٥٧	١٥/٥٢	٢٨/٥٧	١٨/٢٩	٢٩/٥٧	٣١/٣٣	١٠/٢٠	٢٨/٣٣	١١/٢٠	٢٩/٣٢	٩/٢١	٢٢/٣٤
٦٦	١٣/٥١	٢٣/١	١٢/٢١	٥٣/٨	٢٢/٢١	٢٩/٢٧	٢٩/٢١	٥٨/٢٥	٣١/٢١	٢٩/٥٠	٢٠/٢١	١٨/٥٣
٦٧	٨/٢٢	٢١/٢٦	٩/٢٢	١٥/٢٢	١٢/٢٢	٣٩/٢٦	٢٤/٢٢	٢٢/٢٥	٢٤/٢٥	٨٢/٢٥	٢٨/٢٢	٥٠/١٩
٦٨	٢/٢٣	٨٣/٢	١١/٢٣	٣٩/٧	١٢/٢٣	٩/٢٢	٩/٢٢	٣٣/٢٢	١١/٢٢	١٧/٢٣	١٩/٢	١٩/٢
٦٩	١٥/٢٢	٢٧/١٢	٤/٢٧	٢١/٣٨	٩/٢٧	١٢/٢٢	٧/٢٧	٨٨/٢٥	١٠/٢٧	٩٢/٢١	١١/٢٧	٧/٢٢
٧٠	١٣/٢٨	٢٠٧/٧٣	٣/٢٩	١٢/٣٩	٣/٢٩	١٠/٢	٩/٢٩	٢٢/٧١	١٨/٢٩	٧٣/٢٩	١٩/٢٩	١٣/٧١
٧١	٢٥/٢٩	١٨/٢٧	٢٥/٢٩	٩/٧٣	٣٢/٢٩	٣٢/٥٥	١٧/٧٠	٩٢/٢	٢١/٧٠	٩٩/٢	٢٢/٧٠	١٥/٥٥
٧٢	٢٥/٧٠	٢٥/٢٩	٢٥/٧٠	٥٢/١٥	٢٨/٧٠	٣٢/١٩	٣٢/٧٠	٢٩/٢٢	٣٥/٧٠	٣٠/٢١	٢٨/٧٠	٣٢/٢٦
٧٣	٥/٧١	٣٧/٢٦	٩/٧١	٢١/٥٥	١١/٧١	١٢/٢٧	١٢/٧١	١٢/٢٣	١٢/٢٣	٢٠/٥٣	٢٧/٧٢	٢٩/٢٧
٧٤	٣٣/٧٢	٢٤/٥٨	٣٥/٧٢	٨/٥٢	٣٧/٧٢	٢/٢٩	٢٢/٧٢	١٠/٥٥	٢٢/٧٢	٩/٥٥	٢٤/٧٢	٩/٢٢

تذکره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
تذکره	۵۵/۷۲	۴۷/۲۴	۵۷/۷۲	۴۷/۲۴	۶۹/۷۲	۴۷/۲۴	۶۷/۲۳	۴۰/۴۷	۱۸/۷۳	۴۰/۶۰	۲۵/۷۳	بیاض
تذکره	۳۳/۷۳	۱۸/۳۸	۴۴/۷۳	۱۱/۵۷	۴۸/۷۳	۳۴/۲۰	۵۰/۷۳	۱۶/۲	۱۳/۷۴	۴۳/۲۰	۱۶/۷۴	۲۷/۶۹
تذکره	۱۷/۷۴	۳۰/۴۳	۱۸/۷۴	۱۵/۱	۴/۷۵	۸۲/۳	۹۰/۷۵	۲۲/۵۵	۹۳/۷۵	۲۵/۳۴	۹۶/۷۵	۱۲/۷
تذکره	۹۹/۷۵	۳۶/۶	۱۰۰/۷۵	۱۰۳/۶	۱۰۳/۷۵	۶۱/۶	۱۱۰/۷۵	۱۶/۷	۱۱۲/۷۵	۲۰/۷	۱۱۵/۷۵	۲۱/۷
تذکره	۱۱۵/۷۵	۲۲/۷	۱۱۸/۷۵	۱۶/۸	۱۱۹/۷۵	۸۰/۸	۱۳۰/۷۵	۴۴/۸	۱۳۸/۷۵	۲۵/۲۱	۱۲۹/۷۵	۶۲/۲۱
تذکره	۱۲۲/۷۵	۱۸/۵۴	۱۳۳/۷۵	۲۲/۳۲	۱۳۴/۷۵	۲۹/۴۳	۱۳۶/۷۵	۳۵/۱۴	۱۳۸/۷۵	۴۰/۱۴	۱۴۲/۷۵	۷۳/۷۳
تذکره	۱۵۱/۷۵	۵۷/۷۳	۱۵۵/۷۵	۴۰/۲۲	۱۵۸/۷۵	۹/۵۳	۱۶۰/۷۵	۴/۲۲	۱۶۴/۷۵	۴/۲	۱۶۵/۷۵	۱۵۵/۷۰
تذکره	۱۷۲/۷۵	۴۱/۲۴	۱۸۰/۷۵	۴۱/۲	۹/۷۷	۸/۲۳	۱۲۴/۷۸	۳۷/۲۲	۱۳۷/۷۸	۲۱/۲۲	۱۶۸/۰	۳۰/۲۴
تذکره	۱۳/۸۳	۱۳/۴۶	۶/۸۴	۵۰/۱۵	۹/۸۴	۱۶/۴۱	۷/۸۵	۵۳/۷	۲۹/۸۵	۴۴/۳۷	۳۰/۸۵	۷/۲۵
تذکره	۵۱/۸۵	۳/۶۹	۵۲/۸۵	۳۵/۶۹	۵۳/۸۵	۳-۲/۲۲	۵۴/۸۵	۲۲/۲۵	۵۵/۸۵	۲۰/۲۲	۵۸/۸۵	۸۷/۲۵
تذکره	۶۱/۸۵	۱۱۷/۷۳	۶۳/۸۵	۴۹/۲۹	۷۴/۸۵	۸/۲۴	۷۵/۸۵	۳/۱۲	۹۰/۸۵	۲۷/۶۰	۹۱/۸۵	۴۲/۲۵
تذکره	۹۲/۸۵	۵۴/۲۹	۹۳/۸۵	۲۵/۱۹	۱۰۲/۸۵	۲۳/۵۱	۱۰۳/۸۵	۲۲/۵۱	۱۱۱/۸۵	۴۴/۲۶	۱۱۷/۸۵	۲۱/۳۴
تذکره	۱۱۷/۸۵	۳۷/۳۴	۶/۸۷	۲۲/۶	۹/۸۷	۴۰/۲۴	۱۵/۸۷	۳۰/۱۹	۷/۸۸	۹۹/۶	۱۵۰/۸۸	۳۸/۷
تذکره	۱۷/۸۸	۲۱/۶۹	۳۶/۸۸	۲۹/۳۲	۱۴/۸۹	۱۸/۶۴	۱۵/۸۹	۱۲/۶۵	۲۰/۸۹	۱۴/۶۹	۶/۹۱	۵۴/۱۲
تذکره	۹/۹۱	۱۴/۴۶	۲۰/۹۱	۷۸/۳۶	۱۹/۹۲	۳۹/۳۰	۲۷/۹۲	۳/۲۷	۱۹/۹۳	۴۱/۱۵	۲۵/۹۳	۷/۳۳
تذکره	۳۸/۹۳	۳۷/۵۷	۳۹/۹۳	۵۵/۵۷	۴۰/۹۳	۴۰/۲۰	۴۱/۹۳	۱۹/۵۳	۳۳/۹۳	۴۰/۲۰	۵/۹۴	۲۱۱/۷۳
تذکره	۶/۹۴	۶۵/۶	۴۶/۹۵	۵۳/۳۳	۲۳۳/۹۵	۲۲/۲۱	۲۴۶/۹۵	۶۴/۶	۲۵۳/۹۵	۹/۶	۲۵۶/۹۵	۶/۶
تذکره	۹۳	فوق‌حالی جدول ←	۱۹/۲۸	۲۰/۵۲	۷/۸۹	۲۰/۳۵	۲۴۶/۹۵	۶۴/۶	۲۵۳/۹۵	۹/۶	۲۵۶/۹۵	۶/۶

نتیجه‌گیری

از مقابله تذكرة الأولياء عطار و البياض و السواد سیرجانی با دیگر منابع اصلی تذکره این نتیجه به دست می‌آید که کتاب البياض و السواد یکی از مآخذ تذكرة الأولياء بوده است. قرائن برون متنی همچون شیفتگی عطار به منابع اقوال مشایخ تصوف و آشنایی او با خواجه علی سیرجانی مؤلف بياض و سواد، مؤید استفاده او از این کتاب است. چنان‌که قرائن درون متنی همگی نشان‌دهنده استفاده گسترده عطار از البياض و السواد است؛ این قرائن عبارتند از: وجود بیش از ۵۰۰ مورد مشترک بین دو کتاب که ۹۴ مورد از آن‌ها منحصر به البياض و السواد است. همچنین ترتیب یکسان بسیاری از اقوال مشترک در دو کتاب و نیز ترجمه‌های دقیق عطار از بياض و سواد از جمله این قرائن درون متنی هستند. در این زمینه، جدول اقوال مشترک تذکره و بياض و سواد، مطالعه پژوهشگران منابع اقوال تذکره در بياض و سواد را آسان می‌کند.

منابع

- الاصفهانی، ابونعیم (بی تا). حلیة الأولياء وطبقات الأصفیاء. بیروت: دار الفکر.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۹۳). «تصوف در ایران». در: تاریخ جامع ایران. چاپ اول، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۱۳: ۱۰۳-۲۰۳.
- پورمختار، محسن. مقدمه السیرجانی.
- _____ (۱۳۹۸). شاه شجاع کرمانی. چاپ اول، کرمان: یادگاران همایون.
- حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۸۰). سیرجان قدیم مرکز هنر و تمدن اسلامی. چاپ اول، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- خرگوشی نیشابوری، عبدالملک بن محمد ابراهیم (۱۹۹۹). تهذیب الأسرار. به کوشش بسام محمد بارود. چاپ اول، ابوظبی: المجمع الثقافي.
- سراج طوسی، عبدالله بن علی (۱۹۱۴). اللمع فی التصوف. به تصحیح رنولد الن نیکلسون. لیدن: انتشارات بریل.
- سلمی نیشابوری، ابو عبدالرحمان (۱۹۶۹). طبقات الصوفیة. به تصحیح نورالدین شریبه. چاپ دوم. قاهره: مکتبة المیانجی.

- السیرجانی، ابوالحسن علی بن الحسن (۱۳۹۰). البیاض و السواد من خصائص حکم العباد فی نعت المرید والمراد. به تصحیح محسن پورمختار. چاپ اول، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و دانشگاه آزاد برلین آلمان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. تعلیقات ← میهنی.
- _____ (۱۳۹۲). زبان شعر در نثر صوفیه. چاپ اول. تهران: سخن.
- _____ . تعلیقات ← عطار (۱۳۹۸).
- عثمانی، ابوعلی حسن بن احمد (۱۳۷۹). ترجمه رساله قشیریہ. به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۶). مصیبت نامه. به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ اول، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۸). تذکره الأولیاء. به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ اول، تهران: سخن.
- منتخب رونق المجالس به ضمیمه بستان العارفين و تحفة المریدین (۱۳۵۴). به تصحیح احمدعلی رجائی. تهران: دانشگاه تهران.
- میهنی، محمد بن منور (۱۳۸۸). أسرار التوحید فی مقامات الشیخ أبی سعید. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
- قشیری، عبدالکریم (۱۹۸۹). الرسالة القشیریة. به تصحیح عبدالحلیم محمود و محمود بن الشریف. قاهره: دار الشعب.
- هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۳). کشف المحجوب. به تصحیح محمود عابدی. چاپ اول، تهران: سروش.